



خشک کردن درخت برای ساختن ملک

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه یک تهران در پی انتشار تصویری در فضای مجازی، درباره قطع درخت در یکی از محلات شمالی تهران، توضیحاتی داد. به گزارش ایسنا، حسین ترکاشوند، رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه یک در پی انتشار تصویری در فضای مجازی در رابطه با قطع درخت در یکی از محلات شمالی تهران با اشاره به اینکه ملک در حالت ساخت و در مرحله دریافت پایانکار بوده است، گفت: «براساس بازبینی کارشناسان محل و گزارشی که به کمیسیون ذیل ماده ۷ سازمان بوستان‌ها ارسال شده است، ۶ اصله درخت مقابل ملک خشک شده است.» او ادامه داد: «پس از بررسی در کمیسیون ذیل ماده ۷، رأی حذف و جمع‌آوری درختان خشک صادر شد و مالک متعهد به کاشت درخت در همان محل شد که رأی صادر شده به جهت حفظ گسترش فضای سبز منطقه، تحویل اداره ثبت می‌شود.»



افزایش حق الزحمه دستیاران پزشکی

معاون آموزشی وزارت بهداشت گفته است که امیدواریم افزایش حق الزحمه دستیاران پزشکی از مهرماه امسال اجرایی شود. به گزارش ایلنا به نقل از وزارت بهداشت، ابوالفضل باقری فرد با اعلام این خبر گفت: «حق الزحمه دستیاران پزشکی از ابتدای امسال اضافه شده است، اما برخی از دانشگاه‌های علوم پزشکی در این خصوص با تأخیر پرداخت کرده‌اند اما اکثریت دانشگاه‌ها این حق الزحمه را پرداخت می‌کنند.» او ادامه داد: «امیدواریم با اعتباری که امسال برای دستیاران پزشکی تخصیص داده می‌شود، بتوانیم از مهرماه امسال مبلغی به این حق الزحمه دستیاران اضافه کنیم.» معاون آموزشی وزارت بهداشت گفت: «به حوزه‌های نظارتی هم اعلام شده است که اگر دانشگاه علوم پزشکی در زمینه پرداخت حق الزحمه دستیاران پزشکی کوتاهی کند به وزارت بهداشت اعلام شود تا ما سریع به این موضوع رسیدگی کنیم.»



مقیمی برکنار شد؟

دیروز بعضی رسانه‌ها خبر دادند که محمد مقیمی، رئیس دانشگاه تهران برکنار شده و ناصر سلطانی، استاد و عضو هیئت علمی دانشکده مکانیک، با حکم وزیر علوم به سمت ریاست دانشگاه تهران منصوب شده است. کمی بعد اما یک منبع آگاه در گفت‌وگو با عصر ایران برکناری دکتر مقیمی از ریاست دانشگاه تهران را تکذیب کرد و گفت که مقیمی به کار خود ادامه می‌دهد و روز شنبه هم در برنامه‌های مختلف مشارکت دارد. بعد از آن هم روابط عمومی دانشگاه تهران اعلام کرد، خیر برکناری رئیس دانشگاه تهران شایعه است. ناصر سلطانی که حالا به عنوان گزینه‌هایی ریاست جدید دانشگاه تهران مطرح شده، دارای مدرک دکتری مهندسی مکانیک از دانشگاه ایالتی آیوآ آمریکا است. همچنین او سابقه ریاست دانشکده فنی دانشگاه تهران را از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ در کارنامه دارد. دیروز و پس از آنکه خبر آمد او قرار است به عنوان رئیس دانشگاه تهران منصوب شود، گفته شد که مراسم تودیع و معارفه به‌زودی در دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.

دوباره آوارگی

بررسی طرح جدید مجلس برای اخراج مهاجران افغانستانی از کشور

توجه شده. سازمان ملی اقامت، به‌روز شده سازمان ملی مهاجرت است؛ سازمانی که چندی پیش اعلام وصول و کلیات آن در مجلس یازدهم تصویب شده اما هنوز جزئیات آن بررسی نشده است. بنابراین قرار است مجدداً در مجلس دوازدهم اعلام وصول شود و در دستور کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور قرار گیرد. هفدهم شهریورماه یعنی چند روز بعد از انتشار متن این طرح، سخنگوی کمیسیون امور داخلی و شوراها، از بررسی طرح تشکیل این سازمان خبر داد. به گفته او، برنامه‌هایی برای شناسایی، ورود و خروج اتباع بیگانه پیش‌بینی شده، همچنین برای سازمان ملی مهاجرت، ساختار کشوری و استانی در نظر گرفته شده است. نکته دیگری که از سوی این پژوهشگر مطرح می‌شود، همین ماجرای تشکیل سازمان ملی اقامت است: «نمی‌توان گفت که چه نهادی باید این مسئولیت را به عهده بگیرد، این توافق است که باید درباره آن تصمیم گرفته شود و همه اینها بستگی به این دارد که قرار است در ارتباط با این افراد چه سیاستی اعمال شود. اگر سیاست از جنس همین سیاست‌هایی باشد که در متن این طرح مجلس نوشته شده، یعنی فشار بیشتر به مهاجران، تلاش برای کاهش تعدادشان و... دیگر خیلی تفاوتی نمی‌کند سازمان ملی مهاجرت وجود داشته باشد یا خیر.»

۶۰ درصد مردم موافق سیاست‌های ضدمهاجرتی

براساس اعلام این جامعه‌شناس، در ارتباط با موج مهاجرتی که شدت زیادی گرفته دو مسئله را باید از هم جدا کرد؛ یکی گروه‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی فعالند که حکایت از وجود یک گروه سازمان‌دهی شده دارد، اما اینکه چه کسی آنها را سازمان‌دهی می‌کند مشخص نیست. مسئله دوم، نارضایتی عمومی در جامعه نسبت به وجود این افراد است. به هر حال درست یا نادرست این مسئله وجود دارد و در نتایج تحقیقی که وزارت ارشاد چندین ماه پیش انجام داد هم نشان داد که ۵۵ تا ۶۰ درصد مردم از سیاست‌های ضدمهاجرتی حمایت می‌کنند، اما اینکه این نارضایتی چرا شکل گرفته و سهم این عوامل در شکل‌گرفتن آنها چقدر بوده، موضوع جداگانه‌ای است و البته نمی‌توان نادیده‌اش گرفت. او معتقد است که رابطه میان جامعه و حاکمیت همراه با بدبینی است، بنابراین هر سیاستی که در دولت اعمال می‌شود، در جامعه با تحلیل‌های مختلفی همراه است و باعث می‌شود که نتوان راه حل درستی پیدا کرد: «بدترین حالت این است که دولت سعی می‌کند شکاف خود با جامعه را از طریق سختگیرانه‌ترین اقدامات علیه مهاجران اعمال کند، یعنی می‌خواهد به نارضایتی مردم توجه کند اما این کار را از طریق اقدامات ضربتی و تکرار آنچه در اواخر دهه ۷۰ رخ داد که برای اخراج افراد وارد خانه‌هایشان می‌شدند، اعمال می‌کند. اقدامات خشن در ارتباط با این افراد، تشدید شده و به نظر می‌رسد قرار است گام‌های بزرگتری هم برداشته شود که به نظر من خطرناک است.»

است و اگر می‌خواهد به نتیجه برسد نیاز به بازنگری کلی در قوانین دارد، نه اینکه قوانین قدیمی را کمی تغییر دهد.» به گفته این پژوهشگر، بازنگری قوانین نیاز به مطالعات گسترده دارد، اما نویسندگان این طرح براساس آنچه خودشان صلاح می‌دیدند این متن را نوشته و تصمیم گرفته‌اند هر استانی چقدر جمعیت داشته باشد.

براساس بند «ب» تبصر یک این طرح، طی سه‌ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، آمایش سرزمینی و توزیع جمعیت اتباع در شهرها و روستاها را باید به گونه‌ای انجام دهد که کل جمعیت اتباع بیگانه (اعم از خود تبعه، همسر و فرزندان) او ساکن و شاغل در هر شهر، در هر روستا و در هر شهرستان و در هر استان بیشتر از سه درصد کل جمعیت ساکن و شاغل در آن شهر، روستا، شهرستان و استان نشود. در بند «پ» هم آمده: پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، مجوز اقامت اتباع بیگانه باید به‌نحوی صادر کند که تعداد جمعیت اتباع بیگانه مقیم در کشور سالانه ۱۰ درصد کاهش یابد.

نصراصفهانی در این باره می‌گوید: «مسئله این است که آیا اسکان این میزان از جمعیت مهاجر در تهران، اقدام درستی بوده یا خیر؟ اگر قرار باشد درباره پراکندگی مهاجران در کشور تصمیم گرفته شود لازم است ظرفیت و منابع هر استان، همچنین مسائل فرهنگی و اجتماعی آن منطقه در نظر گرفته شود، بدون این اقدام نمی‌توان الگوی کلی داشت که جمعیت مهاجران در فلان استان مثلاً ۱۰ درصد باشد. تصمیم‌گیری درباره این موضوعات نیاز به گفت‌وگوی عمومی در سطح جامعه و نخبگان دارد. مسئله مهاجرت و مهاجران به تبعیت و ایرانی بودن مرتبط می‌شود؛ ایرانی بودن در جهان جدید که جهان مهاجرت است و مسئله تبعیت در آن مضاعف. ما بر چه مبنایی سیاست‌های مهاجرتی را تدوین می‌کنیم؟»

او این پرسش را مطرح می‌کند که این اعداد از کجا آمده‌اند؟ یک نفر نشست و تصمیم گرفته که هر استان چقدر باید جمعیت داشته باشد؛ اعلام این اعداد نیازمند مطالعه‌ای در مقیاس سرزمین است: «هدف از متن طرح مجلس، اخراج تمام مهاجران است، اما این سیاست چقدر با شرایط واقعی مطابقت دارد، سیاست ادغام اجتماعی کجای این متن در نظر گرفته شده است؟» از نظر این پژوهشگر نکته مهم دیگر که در این متن طرح مجلس در نظر گرفته نشده، تفاوت قائل شدن میان پناهنده‌پذیری و مهاجرپذیری است: «ما از یک طرف به نیروی کار جوان نیاز داریم، نسل جدید این مهاجران در ایران بزرگ شده‌اند، باید بررسی شود که این افراد چه منافعی برای کشور دارند و چه نیازهایی را می‌توانند رفع کنند. ما به قوانین پناهنده‌پذیری نیاز داریم، چراکه این افراد نیاز به حمایت دارند، آنها در دوره‌ای در کشورشان با خطر جانی مواجه بودند، بنابراین هر سیاستی در یک دوره در نظر گرفته می‌شود، مسئله صرفاً هزینه‌ها و منافع هم نیست، بخشی از آن موضع اخلاقی در ارتباط با این گروه است که نیاز به حمایت دارند.»

در همین طرح، به تاسیس سازمان ملی اقامت هم



زهرا جعفرزاده
خبرنگار گروه جامعه

نسخه دیگری برای اخراج مهاجران غیرمجاز افغانستانی نوشته شد؛ نسخه‌ای که بر شدت برخوردها تأکید می‌کند. آنها که شباهت ظاهری با مهاجران افغانستانی دارند، با وحشت در خیابان‌ها تردد می‌کنند، برخی که مدرکی ندارند یا تاریخ مصرف مدرک‌شان گذشته، از خانه، کارگاه یا زیرزمین محل کارشان خارج نمی‌شوند. آن سوی دیوارها ماموران انتظامی انتظارشان را می‌کشند. در ایستگاه‌های مترو، در خیابان‌ها، در پارک‌ها، در پیاده‌راه‌ها و کوچه‌ها همیشه یک نفر منتظرشان است. برخی سال‌هاست در ایران زندگی می‌کنند، مدرک شناسایی دارند، پاسپورت و برگه سرشماری دارند، اما تاریخش گذشته، یا پولش را نداشته‌اند برای تمدید یا مدارک‌شان کامل نبوده. برخی هم غیرقانونی آمده‌اند، غیرقانونی مانده‌اند، در سرزمین‌شان جایی ندارند، طالبان دنبال‌شان بوده‌اند و آنها زندگی را بغچه‌ای کرده روی کول انداخته و به سمت مرز رفته‌اند. کار می‌کنند و پولش را برای بازمانده‌ها می‌فرستند. شمشیر برای‌شان از رو بسته شده، مقامات انتظامی و امنیتی پشت تریبون‌ها خبر از اخراج‌شان می‌دهند. عدد دو میلیون افغانستانی چندین بار شنیده شده که قرار است تا آخر سال از کشور خارج شوند. آنها را تهدیدی برای اشتغال و وضعیت امنیتی ایران می‌دانند. آن سوی خیابان‌ها، در شبکه‌های اجتماعی اما گروه‌هایی به دست‌وپا افتاده‌اند. آنها در تلاشند تا مهاجرتی را رواج دهند و اخبار عمدتاً نادرستی درباره این افراد منتشر می‌کنند؛ اخباری که به گفته پژوهشگران این حوزه، کاملاً سازمان‌دهی شده است. سیزدهم شهریورماه متن طرح مجلس برای اصلاح قانون ورود و خروج اتباع خارجی منتشر شد. براساس آنچه از سوی مجلس شورای اسلامی مطرح شد، ۵ تبصره به ماده ۱۶ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران الحاق شده که بعد از بررسی و تصویب در کمیسیون مربوطه به صحن علنی مجلس ارجاع داده و بعد از اینکه شورای نگهبان آن را تصویب و تأیید کرد، اجرا خواهد شد. آنچه در این طرح تأکید شده، کاهش سالانه ۱۰ درصد از جمعیت این مهاجران از کشور است. در صورت تصویب این طرح، جمعیت مهاجران در کشور که اغلب از افغانستان هستند، بعد از یک‌دهه به حدود صفر خواهد رسید.

هدف: اخراج تمام مهاجران

آرش نصراصفهانی، جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه مهاجرت به‌ویژه مهاجران افغانستانی است و می‌گوید، آنچه در این متن نوشته شده، وصله پینه کردن همان قوانین قدیمی است؛ هدف این است که طی چند سال تمام اتباع افغانستانی از کشور خارج شوند و جمعیت‌شان به صفر برسد، آنها اکنون از مهاجران بدون مدرک شروع کرده‌اند و بعد به افراد دیگر هم می‌رسد. در متن طرح مجلس هم این موضوع برداشت می‌شود که قرار است هزینه‌های زندگی برای این افراد آنقدر زیاد شود که خودشان از کشور خارج شوند. درحالی‌که لازم است یک بازنگری کلی در سیاست‌ها و قوانین مرتبط با مهاجرت انجام شود، چه برای آنها که وارد ایران می‌شوند، چه ایرانیانی که از کشور خارج می‌شوند: «در بازنگری قوانین باید متناسب با شرایط روز اقدام شود، قوانین فعلی در شرایطی نوشته شده که جمعیت مهاجران افغان در ایران آنقدر زیاد نبوده، ۴۵ سال است که ایران با جمعیت چند میلیونی این مهاجران مواجه